

بیا بخند

پروفسور سُخْلی
و دستیارش خُلْ خُلْ

۲

داستان‌های فلسفی
درباره‌ی زمان

بیا
Hoopa

داستان‌های فلسفی
درباره‌ی زمان

۲



حدیث لزرغلامی
حسین شیخ الاسلامی
تصویرگر: حسین صافی



فهرست

- داستان اول: پرنده‌ی افسرده ۶
- داستان دوم: یادداشت‌های روزانه‌ی پروفیسور شُخلی ۳۳
- داستان سوم: روزهای قشنگ برف‌بازی ۵۹
- داستان چهارم: خاکسپاری مگس سمج مرده ۸۹
- داستان پنجم: غذای محبوب دونفره ۱۱۳
- داستان ششم: بستنی‌آدامسی ۱۳۷

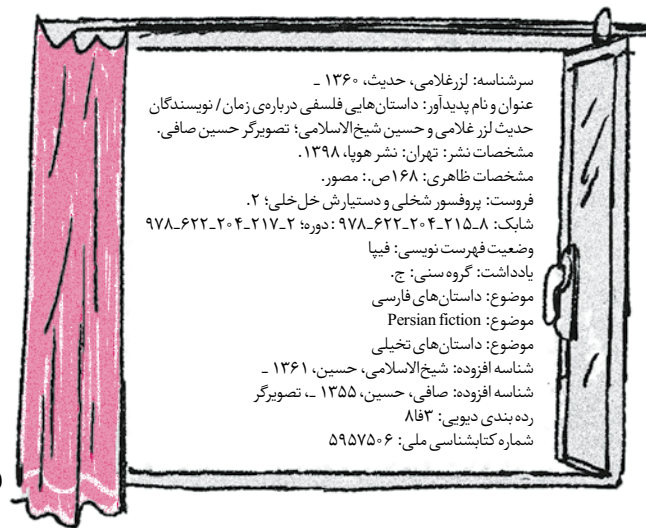


پروفیسور شُخلی و دستیارش خُل خلی



داستان‌های فلسفی درباره‌ی زمان

نویسندگان: حدیث لزرغلامی و حسین شیخ‌الاسلامی
 تصویرگر: حسین صافی
 مدیر هنری: علی بخشی
 طراح گرافیک متن: سندس حمیدیان
 چاپ اول: ۱۴۰۰
 تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۴۹۰۰۰ تومان
 شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۱۵-۸
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۱۷-۲



سرشناسه: لزرغلامی، حدیث، ۱۳۶۰ -
 عنوان و نام پدیدآور: داستان‌هایی فلسفی درباره‌ی زمان / نویسندگان
 حدیث لزر غلامی و حسین شیخ‌الاسلامی؛ تصویرگر حسین صافی.
 مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص: مصور.
 فروست: پروفیسور شُخلی و دستیارش خُل خلی؛ ۲.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۱۵-۸ - دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۲۱۷-۲
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: گروه سنی: ج.
 موضوع: داستان‌های فارسی
 موضوع: Persian fiction
 موضوع: داستان‌های تخیلی
 شناسه افزوده: شیخ‌الاسلامی، حسین، ۱۳۶۱ -
 شناسه افزوده: صافی، حسین، ۱۳۵۵ - تصویرگر
 رده بندی دیویی: ۸۴۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۵۷۵۰۶



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.
 صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰
 همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
 استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن مجاز است.

www.hoopa.ir
 info@hoopa.ir



پروفسور ششلی در آکادمی گپلی‌اش
با عصبانیت راه می‌رفت و منتظر پرنده‌ی
ساعت بود که از توی لانه‌اش دربیاید.

ساعت را تازه خریده بودند
و پروفسور ششلی هنوز
به آن عادت نداشت.





سرانجام ساعت شش صبح شد و پرنده‌ی ساعت،
درست مثل همیشه، سر وقت از توی لانه‌ی چوبی‌اش
آمد بیرون.

قبل از اینکه کوکو کردنش تمام بشود، پروفیسور شش‌پای
پريد و او را گرفت.

- کووووو کوووووو!

۱

- کوکو و درد بی درمان! این دفعه تا **گامپلیتلی** توضیح ندی
چه کسی ساعت رو بهت یاد داده، نمی دارم برگردی به لونه ات!
پرنده جیغ کشید:

- پس حرف خودت رو تکرار می کنی؟ بله؟ نمی خوام راستش رو
بگی!

- کوکو... کوو... کوووووو؟

- از من می پرسی کو؟ من چه بدونم؟ من دارم از تو می پرسم کو؟
اونی که به تو ساعت یاد داده کو؟

- کوو... کوو...

- **گامپلیتلی** متوجه نمی شم! کی بهت دستور داده سر ساعت
بیای بیرون؟ از کجا می فهمی الان دقیقاً چه ساعتی، چه دقیقه ای و چه
ثانیه ای؟





ژل ژلی رفت توی آشپزخانه تا نسکافه با شیر درست کند. پرنده‌ی ساعت با قدرشناسی به ژل ژلی نگاه می‌کرد.

پروفسور نشست روی صندلی ننوی‌اش. همان‌طور که پرنده را گرفته بود، گفت: «یکی به این پرنده‌ی لعنتی دستور داده! بهش همه‌چیز رو آموزش داده! می‌خوام بفهمم کی بوده! ناسلامتی ما رئیس و دستیار رئیس آکادمی فلسفه هستیم ژل ژلی! ما باید از این قضیه سر دربیاریم که چه‌جوری می‌شه این‌قدر دقیق زمان رو بلد بود ژل ژلی!»





هوپا، ناشر کتاب های خوردنی

دکتر هوپا، بخش علمی و فلسفی هوپا